

اعتبارات اسنادی و ماهیت حقوقی آن در حقوق تجارت بین‌الملل

رسول ابافت*

طرف مقابل وفای به عهد نماید.

دغدغه‌های معقول طرفین در یک معامله بین‌المللی، به علل مختلف، همانند عدم اطلاع از وضعیت و حسن شهرت تجاری همدیگر، بعد جغرافیایی، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولتها، مقررات پیچیده و متنوع، محدودیت‌های ناشی از اجرای حکم خارجی بیشتر از یک معامله داخلی است. بنابراین وجود مکانیسم و ترتیبی که باعث تسهیل و در عین حال، تضمین ایفای تعهدات طرفین گردد ضرورت انکارناپذیر می‌نماید. عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، تا زمانی که وجه کالا و خدمت ارائه شده پرداخت و یا تضمین قرار نشده باشد تمایل به تسلیم مبیع یا ارائه خدمات ندارند. از طرف دیگر، خریداران نیز تمایل دارند که پس از دریافت کالا یا ارائه سرویس و خدمات وجه آن را بپردازند. این امر (تقابل منافع) پیدایش اعتبارات اسنادی را به عنوان یک وسیله پرداخت در صحنه بین‌المللی سبب شد.

در دنیای پیشرفته و صحنه‌های پررونق تجاری امروزی از طریق اعتبارات اسنادی، کالا، خدمات و همچنین حقوق و

چکیده: در دنیای تجارت، دو طرف معامله و قرارداد خرید و فروش کالا در پی آن هستند که در مقابل تعهد طرف مقابل برای تحویل کالا یا ارائه سرویس و خدمات و یا دریافت وجه آن تضمین مالی و اعتباری کافی در دست داشته باشند. جمع این تقابل منافع در قالب اعتبارات اسنادی و تحت مکانیسمهای ویژه بانکی صورت می‌گیرد.

در این مقاله، ضمن تبیین تاریخچه و قدمت صدور اعتبارات اسنادی، به مفهوم و جایگاه آن و، نیز، شیوه‌های پرداخت در معاملات بین‌المللی و انواع اعتبارات اسنادی و ماهیت حقوقی آنها و ... پرداخته شده است.

کلیدواژه: اعتبار، تضمین، معامله، اعتبارات اسنادی، تجارت بین‌الملل، بانک ماهیت حقوقی.

مقدمه

یکی از مسائل مهم، در هر قرارداد، پرداخت و چگونگی اجرای تعهدات طرفین است. هر طرف قرارداد، مادام که طرف دیگر تعهد خویش را اجرا نکرده، از ایفای تعهد سرباز می‌زند و یا، حتی الامکان، پس از حصول تضمین کافی از

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز پرنده.

جامعی در مورد اعتبارات اسنادی برآمد(نک: مجبی، 4791: 7).

برای اولین بار در سال 4777 در هفتمین کنگره اطاق بازرگانی بین‌المللی مقررات مقدماتی تدوین شد و از آن به بعد کشورهای زیادی رسماً مقررات آن را پذیرفتند. بعد از آن نیز، با توسعه عملیات و تنوع اعتبارات اسنادی و برای تشویق و ترغیب کشورهایی که تا آن وقت مقررات یکنواخت را قبول نکرده بودند، لزوم تجدیدنظر در مقررات احساس شد؛ از این رو در سال 4794، در سیزدهمین کنگره اطاق بازرگانی، این مقررات مورد تجدید نظر قرار گرفت.

در پی همین فکر به موازات طرح موضوعات و مسائل اینگونه و برای حل آنها اطاق بازرگانی بین‌المللی متن تجدیدنظر شده‌ای را بر مقامات بانکی کشورهای مختلف عرضه کرد و از آنها تقاضا کرد که این مقررات را، متحدالشکل، از اول جولای 4797 به اجرا درآورند.

در تجارت شهرت و خوشنامی طرفین معامله، بی‌تردید، عامل بسیار مهمی است. در این عرصه، بانکداران گشاینده اعتبارات اسنادی، متعهد مشروط پرداخت وجه در مقابل تحویل اسناد حمل، مطابق با شرایط اعتبار میان خریدار و فروشنده می‌باشند و، در صورت بروز مشکل در این اسناد و یا پرداخت، باید، با توجه به عامل خوشنامی خود، به طور مقتضی، پاسخگو باشند؛ از این رو، نیاز به تدوین مجموعه‌ای از مقررات حاکم بر اعتبارات اسنادی که پاسخگوی نیازهای اقتصادی و تجاری جامعه بین‌المللی باشد، احساس گردید. مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، به مرور زمان، رشد و تکامل یافته و با توجه به تحولات حمل و نقل کالا و گسترش روزافزون حجم معاملات جهانی و انقلاب در ارتباطات الکترونیکی، که در سالهای اخیر جایگزین بعضی از مکاتبات سنتی گردید، اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال 4797 مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی

امتیازات پرداخت و تضمین می‌شود. متتهای خواسته طرفین معامله بین‌الملل این است که فروشنده کالا یا صاحب حقوق و امتیاز و یا ارائه‌دهنده خدمات، تا زمانی که عوض کالا یا حقوق خود را تحصیل نکرده و یا دریافت آن تضمین قرار نشده، همچنان، بر مال و دارایی خود مسلط باشد و خریدار نیز قبل از آنکه پرداختی صورت داده باشد، بتواند کالای خریداری شده را بفروشد و یا از مزایای خدمات و حقوق مورد معامله بهره‌مند گردد. جمع این تقابل منافع در قالب اعتبارات اسنادی توسط بانک یا بانکهایی حاصل می‌آید که، در آن واحد، حقوق و مسئولیت طرفین قرارداد را مدنظر قرار می‌دهند و، بدین طریق، تحقق خواسته طرفین مسلم و خاطر آنها آسوده می‌گردد. در این فرایند پرداخت بهای کالا یا خدمات به نفع فروشنده (ذینفع اعتبار) تضمین گشته و فروشنده، مدارک و اسناد مقرر و لازم را به بانک تقدیم و وجه آن را دریافت می‌نماید. بانک نیز اسناد و مدارک یادشده را که از فروشنده تحویل گرفته به خریدار تحویل می‌دهد و از این طریق خریدار را مطمئن می‌کند تا زمانی که اسناد و مدارک مالکیت مورد قراردادی را تحصیل ننموده و وجهی نیز پرداخت نخواهد کرد. با این حال، خود بانک هم از نوعی تضمین در مقابل دستوردهنده افتتاح اعتبار (مشری) برخوردار است که استرداد وجه اعتبار پرداختی به ذینفع را از ناحیه مشتری تضمین می‌کند.

قدمت صدور اعتبارات اسنادی احتمالاً به قرن چهارم قبل از میلاد و تمدنهای یونان باستان می‌رسد. این امر، در دوران امپراتوری روم، به بانکداران لمباردی (Lombardy) تسری یافت (نک: افتاده: 97).

اما اعتبار اسنادی بنا به تعریف و ماهیت کنونی آن، به صورت بسیار ساده و برای اولین بار، را می‌توان در کشورهای انگلوساکسون و در سالهای قبل از جنگ جهانی اول جستجو کرد.

با پیشرفت و گسترش دامنه و گستره تجارت بین‌المللی، اتاق بازرگانی بین‌المللی درصدد وضع مقررات

آن نشریه 929 اتاق بود و از اول جولای 4779 قابلیت اجرا پیدا کرد. تفسیر و تبیین این مقررات نیز در نشریه‌ای با شماره 994 ارائه شده است.

مفهوم و جایگاه اعتبار اسنادی

اعتبار اسنادی نوعی تعهد و التزام کتبی بانک خریدار است در مقابل فروشنده که با آن بانک را متعهد و ملزم می‌نماید تا در مقابل اسناد حمل کالا، قیمت آنها را به فروشنده یا به حواله‌کرد او پرداخت نماید. مکانیسم پرداخت اعتبار اسنادی به مثابه جریان خون در پیکره معاملات بین‌المللی است (D.Tplapy:172). اعتبارات اسنادی، به لحاظ ضرورت و اهمیت حیاتی داشتن در عرصه معاملات بین‌المللی، مستقل از قرارداد مادر یا اصلی خرید و فروش مورد معامله قرار گرفته و تبعاً مشکلات و مسائل خاصی، جدا از آن، دارد.

ماده 2 مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP) مقرر می‌دارد: از نظر این مواد، عبارت اعتبارات اسنادی و... به معنی هر قراری است که، به صورت اسمی یا توصیفی به موجب آن بانکی (بانک گشاینده اعتبار) بنا به درخواست و دستورات مشتری‌اش (درخواست‌کننده اعتبار) یا از سوی خود موظف می‌شود تا در برابر اسناد مقرر شده، مشروط بر رعایت شرایط اعتبار:

1. پرداختی را به شخص ثالث (ذی‌نفع اعتبار) یا به حواله‌کرد او انجام دهد یا بروات صادره توسط ذی‌نفع را قبول و پرداخت کند؛

2. به بانک دیگر اجازه دهد که آن پرداخت را انجام دهد و یا این بروات را قبول و پرداخت کند؛

3. به بانک دیگری اجازه معامله دهد.

از نظر این مواد، شعب یک بانک در کشورهای مختلف به عنوان بانکی مجزا تلقی می‌شوند.

بنابراین، انگیزه اصلی تأسیس چنین مکانیسمی، در واقع، حمایت و حفظ حقوق خریداران در معاملات تجاری بین‌المللی است؛ زیرا وسیله‌ای برای

تدوین شده در سال 4791 را بازنگری کرد (تحلیلی بر مقررات اعتبارات اسنادی UCP-500 و کاربرد آن در معاملات اعتبارات اسنادی: 94).

حاصل این بازنگری تدوین مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی نشریه شماره 144 اتاق بازرگانی بین‌المللی بود.

مقررات UCP-400 قریب به 44 سال به اجرا درآمد؛ لکن، با توجه به مسائل ضروری که از بررسی در آراء، نظرات و رویه‌های دادگاه‌های بین‌المللی مطرح شد و تحولات تکنولوژیک در بانکداری و حمل و نقل و صنایع دیگر، مقررات نشریه 144 اتاق بازرگانی در باب اعتبارات اسنادی مورد تجدیدنظر واقع شد و با تصویب متن نهایی مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی تجدیدنظر سال 4777 در 44 مارس توسط کمیسیون بانکداری ICC به بار نشست و مقررات جدید با عنوان UCP-500، پس از تأیید کمیته اجرایی اتاق بازرگانی بین‌المللی، از اول ژانویه 4771 آماده اجرا گردید. این مقررات، در حال حاضر، در جامعه تجاری بین‌المللی جاری است.

در ایران، تا سال 4799، بعضی از بانکهای کشور، منفرد، به مقررات مذکور ملحق شده بودند. ولی در سال 4799 مقررات اصلاحی UCP به تصویب کانون بانکهای وقت ایران رسید و این کانون الحاق دسته‌جمعی کلیه بانکهای کشور به مقررات UCP اصلاحی 4791 را رسماً به اتاق تجارت بین‌المللی اعلام کرد.

در راستای اصلاح و تکمیل قواعد و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، نشریه دیگری به شماره 944، توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی تنظیم و منتشر شده است که مقررات نشریه 944 را تکمیل کرده است. همزمان با انتشار نشریه 944، در سال 4777، اتاق بازرگانی بین‌المللی اقدام به تدوین مقررات متحدالشکل جدیدی برای پوشش اعتبارات اسنادی نمود که حاصل

گشایش‌کننده¹ اعتبار نامیده می‌شود.

ابلاغ اعتبار مفتوحه توسط بانک دیگری که معمولاً بانک محل اقامت ذی‌نفع است، انجام می‌پذیرد. بانک یادشده (بانک ابلاغ‌کننده اعتبار)² به ذینفع (فروشنده) اطلاع می‌دهد که اعتبار باز شده است.

وظیفه این بانک صرفاً ابلاغ اعتبار مفتوحه نیست؛ بلکه علاوه بر آن، نقش مهمتر و مفیدتر تأیید اعتبار مفتوحه را نیز به عهده دارد. در مواردی که بانک ابلاغ‌کننده، عمل پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع را نیز انجام می‌دهد اصطلاحاً به بانک پرداخت‌کننده³ معروف است. اما گاهی اوقات این بانک تنها عمل ابلاغ اعتبار را انجام می‌دهد و بانک پرداخت‌کننده بانک ثالثی است.

کسی که خواهان افتتاح اعتبار اسنادی جهت پرداخت ثمن کالای خود است و استفاده از این مکانیسم پرداخت را در جهت تضمین نفع و حقوق خود به خریدار پیشنهاد می‌کند و نهایتاً اعتبار اسنادی به نفع او گشایش می‌یابد، فروشنده خارجی طرف معامله است. فروشنده یا ذی‌نفع اعتبار⁴ ثمن کالای خود را به یکی از طرق مقرر در ماده 2 مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) دریافت می‌دارد.

بانکی که اسناد حمل کالا را از ذی‌نفع دریافت می‌کند و پس از تطبیق آنها با شرایط اعتبار، نسبت به پرداخت وجه یا قبول بروات صادره ذی‌نفع اقدام می‌کند بانک معامله‌کننده (اسناد) نامیده می‌شود. این بانک، بانکی غیر از بانک ابلاغ‌کننده اعتبار است و در مواردی که بانک ابلاغ‌کننده فقط وظیفه ابلاغ اعتبار را به عهده داشته و اقدام به تأیید اعتبار ننموده باشد، عمل پرداخت را بانک ثالث دیگری انجام می‌دهد که بانک معامله‌کننده محسوب می‌شود.

شرایط و خصوصیات هر اعتبار معرف آن است. اسناد مختلفی برای صدور یا دریافت اعتبار ممکن

کسب اعتبار و منابع مالی خریدار است. در این مکانیسم، خریدار، که مشتری بانک گشایش‌کننده اعتبار است، دستور به افتتاح اعتبار می‌نماید و با این واسطه، مابه‌ازای کالای خریداری شده را به فروشنده پرداخت می‌نماید.

حسب تعریف فوق، اعتبار اسناد سند یا قراردادی است که به موجب آن بانکی به نام بانک ... یا صادرکننده اعتبار، براساس درخواست خریدار شخصاً، یا به وسیله بانک دیگری به نام بانک کارگزار مأموریت پیدا می‌کند که متعاقب تسلیم اسناد حمل از ناحیه فروشنده، در طول مدت زمان اعتبار - مبلغ اعتبار - بروات یا سایر حقوق و مطالبات ذینفع (فروشنده) را براساس شرایط مندرج در اعتبار اسنادی پرداخت و تأدیه نماید. به عبارت دیگر، بانک بر اساس تعهد و التزام کتبی پرداخت و تأدیه مطابق دستور درخواست خریدار در قبال فروشنده یا ذینفع اعتبار قبول نموده است اعتباری را به نفع خریدار گشایش می‌نماید و در اسنادی که بر اساس قرارداد فیما بین با شرایط قانونی مقرر تحویل آنها توسط ذینفع اعتبار (فروشنده) ضروری دانسته شده است، استفاده از این اعتبار را به صورت پرداخت نقدی یا قبولی برات (به عنوان معامله رایج اسنادی در عرف تجارت علی‌الخصوص تجارت بین‌الملل) یا، از طرف دیگر، مذکور در ماده 2 مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی ucp به نفع فروشنده تسهیل و فراهم می‌نماید. این اسناد، حسب مورد، مختلف و متفاوت است. اسناد بعضاً سیاهه تجارته، بیمه‌نامه اسناد حمل گواهی بازرسی ... می‌باشند.

خریدار به بانک مراجعه تقاضای افتتاح اعتبار می‌کند. بانکی که دستور مشتری را در این مورد مرعی می‌دارد و به درخواست او و مطابق شرایط مبلغ، سررسید و نوع اعتباری که او تعیین می‌نماید، اعتبار اسنادی موردنظر را گشایش می‌کند، بانک

کل کالا که هر بار باید حمل گردد، نیز مشخص گردد و، به‌ویژه، تعیین شود که با حمل هر میزان کالا، چه مقدار از وجه اعتبار قابل استفاده است.

تعیین وسایل نقلیه مجاز حمل کالا: از مبداء به مقصد و اینکه حمل آن از یک وسیله نقلیه به وسیله نقلیه دیگر مجاز است یا نه؟ یعنی اینکه آیا کالا باید فقط توسط یک وسیله حمل شود یا فروشنده می‌تواند برای حمل کالا از وسایل نقلیه مختلف استفاده کند.

تعیین نوع و کیفیت اسناد ارائه‌شده از ناحیه ذی‌نفع: تنها با ارائه اسنادی که طبق قرارداد مکلف به ارائه آنها گردیده، امکان استفاده از اعتبار را خواهد داشت و چون این اسناد حاکی از انجام تعهدات ذی‌نفع است، دستوردهنده باید دقت کند که اسناد مذکور دقیقاً طبق قرارداد صادرشده باشند و روشنی و صحت مفاد آنها برای تطبیق با شرایط اعتبار توسط بانک قابل احراز باشد.

شیوه‌های پرداخت در معاملات بین‌المللی

شیوه‌های پرداخت در معاملات بین‌المللی، نظر به عوامل مختلف، متفاوت است. طرفین با در نظر گرفتن میزان اعتمادی که به همدیگر دارند و نیز با ملاحظه اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی، یکی از انواع شیوه‌های پرداخت را در معامله خود انتخاب می‌نمایند.

هر یک از روشهای پرداخت، با توجه به محاسنی که دارد، و اینکه روش موردنظر باعث تسهیل و تسریع انجام معامله می‌شود، انتخاب می‌شود.

ساده‌ترین شیوه پرداخت در یک معامله بین‌المللی آن است که طرفین معامله، همزمان با سفارش، در باب پرداخت نقدی توافق می‌نمایند (پرداخت مستقیم)؛ در این روش معمولاً کلیه مخاطرات مالی

1. Applicant Party
2. Notifying Bank
3. Paying Bank
4. beneficiary

است مورد نیاز باشد. آنچه ذیلاً مورد اشاره قرار می‌گیرد، موارد عمده این مشخصات و اسناد می‌باشند:

تعیین نوع اعتبار: تعیین اینکه آیا اعتبار گشایش‌یافته قابل برگشت است یا غیرقابل برگشت؛ در صورت غیرقابل برگشت بودن تعیین اینکه اعتبار مزبور از نوع تأییدشده می‌باشد یا خیر، دارای اهمیت فراوان است. راجع به انواع اعتبار در مباحث آتی مختصراً مطالبی بیان خواهد شد.

تعیین مبلغ اعتبار: این مبلغ ممکن است شامل بهای کالا، هزینه حمل و حق بیمه (CIF) و یا بهای کالا به تنهایی (FOB) و یا بهای کالا و هزینه حمل (CFR) باشد. طبق مقررات داخلی ایران، مبلغ اعتبار، هزینه بیمه را دربر نمی‌گیرد و علت آن ضرورت بیمه کالاهای وارده توسط مؤسسات و نهادهای بیمه‌ای ایرانی است.

تعیین سررسید اعتبار: حداکثر زمانی که ذینفع اعتبار حق بکارگیری و استفاده از اعتبار گشایش‌یافته را داراست باید معلوم شود.

تعیین و ذکر مشخصات کالا: اوصافی شامل نوع، ساخت، مقدار و شماره تعرفه گمرکی (اوصاف مبیع)، باید با اسنادی که نماینده اوصاف مذکور است، منطبق باشند و از این‌روست که پروفرمای صادره توسط فروشنده که مبین مشخصات کالا است، ضمیمه اعتبار می‌شود.

تعیین دفعات مجاز حمل کالا: در صورت مجاز بودن باید دفعات و فاصله زمانی هر دفعه و مقدار جنس از

خریدار نیز مهلت معینی برای تسویه حساب می‌دهد؛ مگر اینکه پرداخت برات دیداری (به رؤیت) باشد.

نحوه صدور بدینگونه است که معمولاً صادرکننده براتی را صادر می‌کند و براتگیر هم واردکننده است که برات صادره را قبول‌نویسی می‌کند و یا ممکن است برات‌گیر، بانک واردکننده باشد، گیرنده وجه برات ممکن است خود صادرکننده یا شخص دیگری باشد.

در این روش تعهدات براتی جدا و مجزای از تعهدات دیگر اسناد و مدارک معامله مربوطه - مانند قرارداد بیع، اوراق اعتباری (تعهدات منشاء) می‌باشد. برات‌گیرنده یا قبول‌کننده برات نمی‌تواند اعتراضات مربوطه به معامله را به عنوان زمینه‌ای برای عدم پرداخت دارنده برات که کاملاً قانونی و صحیح است قرار دهد. چرا که در این امر با ضوابط حاکم بر تعهدات براتی موضوع حقوق کامبیر منافات خواهد داشت. این روش نیز متضمن مخاطراتی است که بعضاً باید از آن پرهیز کرد؛ مثلاً ثبات سیاسی و اقتصادی کشور واردکننده و نیز تمکن مالی و ملائت براتگیر در این روش مؤثر است.

بنابراین، با التفات به نقایص موجود در طریق مختلف پرداخت در معامله بین‌المللی، اهمیت پرداخت به شیوه اعتبار اسنادی بیشتر ملموس می‌گردد. یکی از مسائل مهم در بحث پرداخت به شیوه اعتبار اسنادی تشخیص و تفکیک نوع اعتباری است که افتتاح و مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظر به نحوه توافق بین فروشنده و خریدار و نیز نحوه تعهد بانک در مقابل ذی‌نفع، اعتبارات اسنادی تنوع و گوناگونی‌ای دارد که آن را از انواع دیگر متمایز می‌سازد.

انواع اعتبارات اسنادی

در عرف و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) ماده 9 به ذکر و تعریف دو نوع از اعتبارات، یعنی اعتبارات برگشت‌پذیر و برگشت‌ناپذیر⁵ اشاره نموده و

برای صادرکننده از بین می‌رود.

صادرکننده اول ثمن معامله را دریافت می‌کند و سپس اقدام به ارسال کالا می‌نماید و بعد از این اقدام اسناد را مستقیماً برای خریدار ارسال می‌کند.

پرداخت از این طریق مستلزم این است که خریدار اعتماد کافی و فوق‌العاده به فروشنده یا صادرکننده داشته باشد؛ چه، در صورت نقض تعهد توسط فروشنده، خریدار مجبور است مخارج هنگفتی را خرج کند و در یک کشور خارجی که صادرکننده در آنجا اقامت دارد، طرح دعوی نماید و در نهایت معلوم نیست که آیا با این مخارج گزاف و اتلاف وقت در دعاوی خود موفق خواهد بود یا خیر؟

روش دیگر پرداخت، پرداخت دیداری است؛ در این شرایط توافق طرفین در مورد پرداخت ثمن براساس پرداخت به شرط رؤیت (دیداری) است که واردکننده (خریدار) باید مبلغ معامله را در قبال تسلیم اسناد و مدارک مالکیت اموال فروخته‌شده، بپردازد.

در این روش، صادرکننده عموماً اسناد را از طریق بانک برای واردکننده (خریدار) می‌فرستد و خریدار نیز قیمت کالا را با ارسال چک یا حواله تلگرافی یا پستی از طریق بانک خود، به صادرکننده می‌پردازد. استفاده از این روش در صورتی مناسب است که صادرکننده تردیدی در مورد توانایی خریدار در پرداخت و صحت عمل او نداشته باشد. برعکس صورت اول که واردکننده باید به صادرکننده اعتماد داشته باشد، در اینجا صادرکننده باید به واردکننده اعتماد کافی داشته باشد.

بدیهی است در صورت ارسال کالا و خودداری واردکننده برای دریافت ثمن و یا استرداد یا توقیف کالای ارسالی، مشکلات عدیده قضایی و اجرایی، همانند روش اول، و البته این بار برای فروشنده به وجود می‌آید.

روش دیگر، پرداخت از طریق بروات است که معمولاً براتی را که واردکننده قبول‌نویسی کرده در اختیار دارد که فوراً قابل معامله است و، از سوی دیگر، به

استفاده می‌شود. هرگونه تغییر در شرایط اعتبار یا ابطال آن باید با توافق بانک صادرکننده اعتبار و ذی‌نفع صورت پذیرد و بانک بازکننده اعتبار مکلف است به تعهدات مندرج در متن اعتبارنامه، از جمله پرداخت یا تدارک وسیله پرداخت و شرایط قبولی (در صورت صدور برات توسط ذی‌نفع عهده بانک) عمل نماید.

بند الف ماده 7 مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی در مورد این دسته از اعتبارات مقرر می‌دارد: اعتبار برگشت‌پذیر، تعهد قطعی بانک گشاینده اعتبار است مشروط بر اینکه اسناد مقرر به بانک تعیین شده و یا بانک گشاینده اعتبار ارائه شده و مواد و شرایط اعتبار رعایت شده باشد ...

اعتبار برگشت‌ناپذیر در صورتی که به نحو معمولی ابلاغ گردد و بانک ابلاغ‌کننده تعهدی به تأیید اعتبار صادره نداشته باشد، بانک مزبور تعهدی در پرداخت اعتبار ندارد؛ لیکن تعهد بانک گشاینده اعتبار دائر بر پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع کماکان باقی و محفوظ است. بدیهی است در صورت امتناع از پرداخت در مقابل ارائه اسناد، ذی‌نفع مجبور است، برای وصول بهای کالاها در کشور بیگانه، علیه خریدار یا بانک گشاینده اعتبار طرح دعوی نماید.

با عنایت به آنچه گفته شد، بانکهای ابلاغ‌کننده در این قسم، تعهد خود را به ابلاغ آن محدود می‌دانند و تعهد مستقلی در خصوص پرداخت وجه اعتبار به عهده نمی‌گیرند؛ بنابراین، چنین اعتباری تأمین مالی مطمئنی برای فروشنده محسوب نمی‌شود و فروشندگان ترجیح می‌دهند که اعتبارات مفتوحه به نفع ایشان مورد تأیید نیز قرار گیرد.

در مواردی فروشندگان، به دلایل مختلف اقتصادی - سیاسی کشور واردکننده یا به علت ضعف بنیه مالی و میزان قابلیت اعتماد بانک گشاینده، به صرف اعتبار بانک گشاینده اکتفا نکرده و تقاضای تضمین بیشتری می‌نمایند. این تضمین اضافی با تأیید اعتبار توسط بانکی به غیر از بانک

5. revocable & irrevocable

همچنین در ماده 2 این مقررات به نوع خاصی از اعتبارات اسنادی که به اعتبارات ضماتی⁶ معروف‌اند اشاره دارد.

بند الف ماده 9 مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) مقرر می‌دارد: اعتبار برگشت‌پذیر می‌تواند در هر لحظه و بدون آگاهی قبلی به ذی‌نفع توسط بانک گشاینده اعتبار اصلاح و یا ابطال شود.

در حال حاضر، از چنین اعتباری، به این سبب که قابل اصلاح یا لغو است و نیز به لحاظ رشد بی‌اعتمادی در صحنه وسیع جهانی و اینکه ذی‌نفع نمی‌تواند اطمینان و اعتماد کافی به دریافت وجه داشته باشد، استقبال نشد و یا مورد استفاده محدود قرار گرفت. در حالی که تا قبل از جنگ جهانی دوم، این نوع اعتبار کاملاً معمول بود (نک: مهربان، 4794: 91).

گرچه طبق بند الف ماده 9، بانک می‌تواند هر لحظه و بدون آگاهی قبلی به ذی‌نفع اعتبار را ابطال نماید، اما ذکر این مطلب ضروری است که بانک گشاینده اعتبار معمولاً بدون موافقت یا تقاضای خریدار (دستوردهنده) اقدام به فسخ اعتبار یا تغییر آن نمی‌نماید. اما دستوردهنده، بدون نیاز به توجیه خاص قانونی و هر زمان می‌تواند اعتبار اسنادی مفتوحه را لغو یا فسخ نماید. بدیهی است در صورت عدول بانک از اعتبار مفتوحه در برابر دستوردهنده (و نه در مقابل ذی‌نفع) مسئول خواهد بود و ذی‌نفع هم تنها براساس قرارداد اولیه حق رجوع به دستوردهنده خواهد داشت (نک: شهریار بهرامی، 4799: 49).

در مقابل آنچه در خصوص امکان ابطال یا اصلاح اعتبارات قابل برگشت بیان شد، اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت، نوعی تعهد قطعی برای دستوردهنده (خریدار) و بانک گشاینده اعتبار ایجاد می‌نماید که، به لحاظ همین ویژگی خاص، اهمیت ویژه‌ای دارد و در قراردادهای تجاری بین‌المللی

دستوردهنده از اجرای تعهدات خویش و یا دینی که دستوردهنده در مقابل ذی‌نفع پذیرفته است را می‌پذیرد (فتحی‌پور: 411).

فرق عمده اعتبارات اسنادی عادی و اعتبارات اسنادی ضمانتی این است که تعهد مالی بانک در یک اعتبارنامه تجاری ناشی از اسناد و مدارکی است که مبین رعایت تعهدات قراردادی از ناحیه ذی‌نفع است و بیشتر به عنوان یک وسیله پرداخت و تأمین منابع مالی محسوب می‌شوند. در حالی که، در اعتبارنامه‌های تضمینی تعهدی که بانک می‌پذیرد ناشی از ارائه اسناد و مدارکی است که مبین قصور دستوردهنده در اجرای تعهدات و یا انجام پرداخت است که بیشتر یک وسیله تضمین و حمایتی برای ذی‌نفع محسوب می‌شوند تا یک وسیله معمول پرداخت و تأمین منبع مالی؛ هرچند که اعتبارنامه‌های تجاری هم از جهاتی خود نوعی وسیله تضمین پرداخت به حساب می‌آیند. فلسفه وجودی این دو نوع اعتبار، با توجه به نقش و عملکرد و موارد استفاده آنها روشن و نمایان شده و از این طریق می‌توان به تفاوت آنها پی برد (دریس کول، ریچارد جی: 477)؛ اما بنا به طبیعت خاص اعتبارنامه‌ها، امکان استفاده از آنها به جای اعتبارات اسنادی تجاری و در مقام پرداخت بهای کالا یا خدمات هم وجود دارد؛ به طوری که با ارائه مدارک کافی از ناحیه ذی‌نفع (فروشنده) دائر بر عدم پرداخت بهای کالا می‌توان ثمن و خسارات وارده را مطالبه و پرداخت نمود.

گرچه اعتبارنامه‌ها از بسیاری قواعد مشترک با اعتبارات اسنادی تجاری برخوردارند لیکن در هدف و مقصد باهم همسویی کامل ندارند؛ کما اینکه برای تضمین خسارات وارده به ذی‌نفع که ناشی از قصور دستوردهنده در انجام تعهداتش می‌باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرند و از این حیث تقریباً جایگزین انواع مختلف ضمانتنامه‌های بانکی (به معنی اخص) می‌شوند. استفاده از اعتبارنامه‌ها ممکن است برای استرداد و بازپرداخت وامی باشد که از ناحیه ذی‌نفع به دستوردهنده پرداخت شده است.

6. Stand- by Credits

بازکننده اعتبار تحصیل می‌شود که از نظر حقوقی بانک تأییدکننده مکلف می‌شود پرداخت وجه را تضمین نموده و حسب ضرورت پرداخت نماید. تأیید اعتبار (اعتبار تأییدشده: confirmed lic) سبب می‌شود که تعهد قطعی بانک گشاینده اعتبار، به نفع ذی‌نفع اعتبار ایجاد گردد و فروشنده با استفاده از مسئولیت ضامنی بانکهای گشاینده و ابلاغ‌کننده اعتبار و، با در دست داشتن یک اعتبار برگشت‌ناپذیر و تأییدشده، بتواند به بانک گشایش‌کننده رجوع کند و یا به بانک تأییدشده و به همین دلیل از طرف شدن با بانک گشاینده‌ای که برای او ناشناس است، خودداری کند. به ندرت اتفاق می‌افتد که ذی‌نفع برای دریافت وجه به بانک گشاینده یا تحصیل قبولی نسبت به بروات صادره عهده فروشنده مراجعه کند.

در بحث از انواع اعتبارات اسنادی، نوع دیگری از اعتبارات وجود دارند که از جهات عدیده با اعتبارات اسنادی تجاری مشابهت دارند اما از حیث نقش، عملکردی متفاوت از این نوع اعتبارات دارند. مثلاً از حیث قواعد و مقررات حاکم و یا اینکه متضمن قراردادهای سه‌گانه معمول هستند، همچنین مسئله قائمیت به خود و تفکیک روابط موجد از رابطه سندی و اصل عدم توجه ایراد و فرمالیسم و... با اعتبارات اسنادی تجاری همسان می‌باشند لیکن از نظر اهداف و مقاصد با آنها متفاوت‌اند.

نوع دیگر اعتبار اسناد، اعتبار اسناد ضمانتی است. در عرف و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، این نوع اعتبار تعریف نشده است. فقط در ماده 2 تحت عنوان اعتبارات اسنادی ضمانتی (Stand-by) و در ردیف اعتبارات اسنادی معمول از آنها نام برده شده است؛ اما اصطلاحاً به نوعی اعتبار تلقی می‌شود که، به موجب آن، صادرکننده اعتبار تعهدی بر بازپرداخت مبلغ دریافتی توسط دستوردهنده به ذی‌نفع که به عنوان پیش‌پرداخت از ذی‌نفع اخذ شده بود و یا پرداخت به واسطه قصور

اعتبارنامه‌ها به عنوان یک وسیله پرداخت و در مقام و جایگاه اعتبارات اسنادی تجارتي و به جای آنها مورد کاربرد واقع گردند، می‌توان آنها را از چنین ماهیتی برخوردار نمود که خودبه‌خود تصفیه شوند و صادرکننده در معرض تضرر ناشی از ورشکستگی یا مشکلات دیگر مربوط به دستوردهنده قرار نگیرد.

موضوع دیگر در بیان ماهیت اعتبارات اسناد تجاری این است که اساساً چنین اعتبارنامه‌ها و صدور آنها، بانکها را با محدودیتهای قانونی ناشی از اعطای اعتبار که حسب قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف بانکی و دولتی لازم‌الرعایه هستند، مواجه نمی‌سازد و تعهدات بانکها در صدور چنین اعتباراتی از دسته تعهدات بالقوه‌ای محسوب می‌شود که با توجه به دارایی بالقوه آنها از جهت استرداد و بازپرداخت وجوه تعهد باهم منجر به برقراری تعادل و هماهنگی می‌گردد و بانک را با محدودیتهای قانونی احتمالی مواجه نخواهد ساخت. لیکن به‌واسطه طبیعت خودبه‌خود تصفیه ناشدنی اعتبارنامه‌های تضمین و احتمال مواجهه بانکها با خطر ناشی از ورشکستگی و عدم توانایی دستوردهنده در اجرای تعهدات خویش محدودیتهایی از حیث اعطای چنین اعتبارنامه‌هایی وجود دارد که به‌واسطه فقدان یک دارایی بالفعل ناشی از قصور دستوردهنده با دارایی بالقوه مانند آنچه که در اعتبارنامه‌های تجارتي، شایع است، وجود خواهد داشت.

درخصوص شرایط استحقاق و مطالبه وجه اعتبارنامه توسط ذی‌نفع، مطلب قابل ذکر اینکه برخلاف اعتبارات اسنادی تجارتي که برای مطالبه وجه اعتبار، ذی‌نفع مکلف است اسناد و مدارک معروف به اسناد حمل از قبیل بارنامه، سیاهه فروش، گواهی مبدأ و بیمه‌نامه را ارائه و به بانک تحویل دهد، در اعتبارنامه‌ها ذی‌نفع باید اسناد و مدارکی را ارائه دهد که مبین قصور دستوردهنده گشایش اعتبار از انجام تعهدات یا پرداختهایی که باید به عمل می‌آورد، باشد و این وجه از اعتبارنامه در واقع نشانگر آن

هرچند در مورد اعتبار اسنادی می‌توان گفت که اصولاً صادرکنندگان اعتبارات اسنادی تجارتي در راستای اجرای تعهدات یکی از طرفین قرارداد بیع و ارائه کالا، خدمات، حقوق و امتیازات، به طور قطعی و حتم تعهدی دایر بر پرداخت وجه معینی را می‌پذیرند و با ارائه اسناد و مدارک لازم از ناحیه ذی‌نفع در مقام ایفای تعهد به جای یکی از طرفین قرارداد پرداختی را صورت می‌دهند. در مورد اعتبارنامه‌های تضمینی وضع چنین نیست؛ از آن جهت که در اینجا تعهد بانک جنبه احتیاطی دارد و متعهد اصلی دستوردهنده است و تنها در صورت تخلف وی از اجرای تعهد، بانک مسئول پرداخت وجه اعتبار خواهد بود، یعنی بدو به صادرکننده اعتبار رجوع نمی‌شود. اما در اعتبارات اسنادی تجاری، این بانک صادرکننده اعتبار است که اولاً پرداختی را در وجه ذی‌نفع انجام می‌دهد و ثانیاً بانک به دستوردهنده خود جهت بازپرداخت و استرداد وجوه پرداختی به ذی‌نفع، به وی رجوع می‌نماید.

اصولاً اعتبارنامه‌های تجارتي واجد ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شونده هستند؛ بدین معنی که اسناد حمل مابه‌ازاء و وثیقه استرداد وجوهی هستند که از ناحیه صادرکننده به ذی‌نفع پرداخت شده و صادرکننده نسبت به کالای موضوع اعتبار یک حق عینی دارد که در صورت تخلف دستوردهنده (مشری) در بازپرداخت بهای کالا می‌تواند حقوق خود را استیفاء نماید و از این جهت خطرات ناشی از اعسار، ورشکستگی و بدحسابی دستوردهنده مانعی برای وصول حقوق قانونی او به شمار نمی‌رود؛ اما در اعتبارنامه‌های تضمینی وضع بدین گونه است که با پرداخت وجه اعتبار، اعتبارنامه خودبه‌خود تصفیه نمی‌شود؛ زیرا چنین وثیقه‌ای که استرداد وجوه پرداختی را تسهیل نماید و به طور اتوماتیک واجد چنین ماهیتی شود در اختیار نیست و چون زمانی از این نوع اعتبارنامه استفاده می‌شود که دستوردهنده از انجام تعهدات خویش قصور ورزیده باشد، بنابراین صادرکننده اعتبار باید ابتدا وجه اعتبار را پردازد و آنگاه طلب خود را از دستوردهنده وصول نماید. البته اگر

معین، مثلاً یک ماه بعد، برای خریدار بفرستد و با حمل آن میزان مابه‌التفاوت اعتبار را هم دریافت نماید. اما اعتبار غیرجمع‌شونده، در صورت عدم ارسال یک دوره اعتبارنسبت به آن ابطال می‌گردد و فقط حق استفاده از اعتبار مقرر برای محمولات بعدی را خواهد داشت. از جهتی، ممکن است اعتبار گردان، کنترل‌شده و یا کنترل‌نشده باشد. اگر پس از هر بار ارسال کالا توسط فروشنده و تحویل اسناد حمل به بانک خریدار و پرداخت وجه توسط خریدار، استفاده از قسمت دوم اعتبار توسط بانک گشایش‌کننده مجاز اعلام گردد، اعتبار، کنترل‌شده نامیده می‌شود. اما اگر بانک گشایش‌کننده از اعتبار و ملائت خریدار مطمئن باشد و ذی‌نفع را در استفاده کل مبلغ مجاز اعلام دارد، اعتبار را کنترل‌نشده می‌گویند.

ممکن است فروشنده برای تهیه کالا و یا تولید آن نیازمند به مبلغی به عنوان پیش‌پرداخت باشد تا بتواند از محل وجه مزبور اقدام به خریداری و تهیه کالا و یا تولید آن نماید. بدین منظور ذی‌نفع از خریدار تقاضای چنین مبلغی می‌نماید و بانک ابلاغ‌کننده یا تأییدکننده اعتبار وجه مورد نظر را به فروشنده پرداخت نموده و از بانک گشایش‌کننده اعتبار این مبلغ را مطالبه می‌نماید و در نهایت نیز مسئولیت پرداخت، به عهده خریدار کالا است که متقاضی چنین اعتباری است. وجه تسمیه آن چنین است که اعتبار یادشده در دفعه اول برای جلب توجه بیشتر با جوهر قرمز نوشته یا تایپ شده است. اکنون تنها رنگ نگارش کلمات نیست که اعتبار را مشمول چنین توصیفی قرار می‌دهد بلکه این محتوی و مندرجات آن است که بیان‌کننده نوع و شرایط اعتبار اسنادی است، ولو اینکه در حقیقت با جوهر قرمز نوشته نشده باشد.

نظر به اینکه از زمان دریافت پیش‌پرداخت تا زمان ارسال کالا و تحویل اسناد حمل به بانک ابلاغ‌کننده بهره‌ای به پیش‌پرداخت تعلق می‌گیرد، بانک ابلاغ‌کننده یا پرداخت‌کننده، مبلغ پیش‌پرداخت و بهره متعلق به آن را از

است که اعتبار مزبور نوعی اعتبار اسنادی است که به جای ضمانتنامه‌های بانکی قابلیت استفاده و کارایی مؤثر را دارد.

تدارک و ارائه اسناد و مدارک مثبت و وقوع تخلف و قصور در انجام تعهد در اعتبارنامه‌ها به عهده شخص ذی‌نفع است و تهیه این مدارک در اختیار اوست؛ در حالی که در اعتبارات اسنادی تجارتي اسناد و مدارک لازم برای مطالبه وجه اعتبار مانند اسناد مالکیت کالا، بیمه‌نامه و گواهی بازرسی صحت کالا معمولاً توسط اشخاص ثالث (البته به درخواست ذی‌نفع) صادر و تنظیم می‌شوند. چنانچه ذی‌نفع قصد مطالبه متقابلانه وجه اعتبار را داشته باشد، در اعتبارات اسنادی تجارتي وی مجبور خواهد بود که اسناد تنظیم‌شده توسط شخص ثالث را تحریف و یا جعل نماید؛ ولی در اعتبارنامه‌ها چون خود ذی‌نفع این اسناد را صادر می‌کند، با سهولت و راحتی بیشتر مبادرت به تقلب می‌نماید و از این جهت است که مطالبه مشروع اعتبارنامه به میزان زیادی به صداقت و درست‌کرداری ذی‌نفع بستگی دارد.

روش دیگر پرداخت استفاده از مکانیسم اعتبارات گردان است. طرفین، با استفاده از اعتبارات گردان، به عنوان یکی از مکانیسم‌های پرداخت در تجارت بین‌المللی، از دوباره‌کاریها می‌کاهند، به طوری که در صورت انجام معاملات متوالی و با فواصل معین و شرایط یکسان بین خریدار و فروشنده، بدون اینکه خریدار نیازمند مراجعه مکرر به بانک و افتتاح جدید باشد، یکبار اقدام به گشایش اعتبار می‌نماید و این اعتبار در فواصل معین با مبلغ مشخص، خودبه‌خود، تجدید می‌شود. اعتباری که واجد این خصیصه تغییرپذیری و تجدید باشد اصطلاحاً گردان نامیده می‌شود.

اعتبارگردان ممکن است جمع‌شونده یا متراکم⁷ و یا غیرجمع‌شونده⁸ باشد. دسته اول بدین معناست که اگر فروشنده، بنا به هر دلیلی، قادر به ارسال کالا به طور کامل نبود، حق دارد که آن قسمت ارسال‌نشده را در مدت

7. Cumulative

وثیقه‌ای برای اعتبار دوم قلمداد نماید.

در مواردی که کالا یا خدمات از ناحیه شخص فروشنده تأمین نشده و مستلزم استفاده از اعتبارات اتکایی باشد در صورتی برای وی مقرون به صرفه اقتصادی است که مبلغ اعتبار دوم از اعتبار اول کمتر باشد تا ذی‌نفع اولیه مابه‌التفاوت آن را به عنوان سود خود برداشت نماید. همچنین سررسید اعتبار و آخرین تاریخ حمل اعتبار دوم باید مقدم بر اعتبار اول باشد تا ذی‌نفع اول بتواند به موقع قبل از سررسید و آخرین تاریخ حمل مذکور در اعتبار اول اسناد مربوط به کالا را دریافت داشته و آن را به بانک ابلاغ‌کننده اعتبار اول ارائه دهد.

ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی

علت تمایز اعمال حقوقی (قرارداد - ایقاع) در اراده‌ای است که در ایجاد آن کارگزار واقع می‌شود. آن دسته از اعمال حقوقی که از حیث انعقاد شرایط و آثار، تابع اراده طرفین است عقد محسوب و ایقاع به آن نوع عمل حقوقی اطلاق می‌گردد که تنها یک اراده در تحقق آن نقش دارد.

حال سئوالی مطرح می‌شود؛ اینکه آیا اراده مشتری مبنی بر تقاضای گشایش اعتبار به تنهایی باعث ایجاد تعهد برای بانک می‌گردد و یا بانک به طور یکجانبه و بدون توافق با مشتری قادر به ایجاد تعهد اعتباری بر ذمه خویش است؟ در پاسخ می‌توان گفت که از تعریف اعتبار اسنادی و رویه حاکم در بانکها، چنین مستفاد است که تعهد مندرج در اسناد اعتباری مستلزم توافق و تراضی و انعقاد قرارداد است. بدین شکل که مشتری متقاضی با مراجعه به بانک و اعلام شرایط مورد نظر در واقع ایجاب عقد مذکور را به عمل می‌آورد. بانک نیز، با توجه به شرایط قانونی و مقررات ارزی و امکانات خود

8. Non-cumulative

کل اعتبار کسر و مابقی را به ذی‌نفع پرداخت می‌نماید و در صورت عدم توانایی یا قصور ذی‌نفع از اجرای قرارداد و ارائه اسناد در موعد مقرر، بانک گشایش‌کننده اعتبار مسئول استرداد وجه پرداختی و بهره آن به بانک ابلاغ‌کننده است.

گشایش اعتبارات امروزه با دخالت الکترونیک و انفورماتیک، صورت می‌پذیرد و به همان خاطر نیز صرف توجه به نحوه عبارات یا شکل و خصوصیات ظاهری اعتبارنامه مفهومی ندارد.

در راستای حفظ موقعیت تجاری و ممانعت از عدم توازن و تعادل مالی صادر کنندگان معمولاً به نحوی عمل می‌نمایند که حداقل خریداران از منابع اصلی تهیه کالاها بی‌اطلاع باشند و به هر دلیل استفاده از اعتبارات قابل انتقال را هم به مصلحت نمی‌بینند. در این راستا و در جهت تحقق این هدف فروشنده به اتکاء اعتباری که سابقاً توسط خریدار به نفع او افتتاح شده از بانک ابلاغ‌کننده یا تأییدکننده اعتبار درخواست افتتاح اعتبار جدیدی به نفع عرضه‌کننده اصلی کالا می‌نماید و بانک مزبور هم، به پشتوانه اعتبار قبلی، اعتبار جدیدی را که کاملاً مستقل از اعتبار اولیه است، افتتاح می‌نماید. این اعتبار ثانوی را پشت به پشت یا اتکایی⁹ می‌نامند.

اعتبار پشت به پشت یا اتکایی عیناً قابل انتقال نیست، بلکه این اعتبار پشتوانه اعتبار دیگری قرار می‌گیرد. افتتاح این اعتبار، چون خود یک اعتبار مستقل و جدید است، مستلزم آگاهی و موافقت عوامل دیگر، یعنی بانک گشاینده اعتبار اول یا متقاضی نمی‌باشد.

از آنجایی که پایه و اساس تأمین مالی در این اعتبارات، اعتبار اولیه‌ای است که به وسیله خریدار نهایی افتتاح شده است، شرایط اعتبار مذکور اهمیت فراوانی دارد و باید از موقعیت اطمینان‌بخشی برخوردار باشد؛ اصولاً باید غیرقابل برگشت و تأیید شده باشد تا بانک دوم از پرداخت اعتبار اول اطمینان کافی یابد و بتواند آن را به منزله تضمین و

9. Back to back credit

توجه به رشد سریع و تکنولوژیک تجارت بین‌المللی در پرتو استفاده از دستاوردهای علمی نوین، روزبه‌روز گرایش به سوی حذف این شرایط دست و پاگیر و کمک به تسهیل هرچه بیشتر معاملات می‌باشد. مثلاً فاکس، تلکس، کامپیوتر و ماهواره نقش اوراق را بازی می‌کنند و زمینه توافق درگیر در یک اعتبار (بانک، مشتری و فروشنده) را، به طور همزمان و با شرایط ساده، فراهم می‌سازند.

در اعتبار موضوع قرارداد به حکایت ماده 2، عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) عبارت است از: 4. پرداخت به ذی‌نفع یا حواله‌کرد او؛ 2. قبول و پرداخت بروات به وسیله بانک دیگر توسط بانک گشاینده اعتبار؛ 7. تجویز معامله اسناد به بانک دیگر.

آنچه از مفاد تعهدات موجود در یک معامله اعتباری می‌توان استخراج کرد آن است که اصولاً پرداخت بهای کالا یا خدمات مورد نظر در قرارداد اصلی بیع امری است که با استفاده از مکانیسم اعتبار اسنادی صورت می‌گیرد و اوصاف آن از حیث مبلغ، نوع ارز و زمان پرداخت مواردی هستند که هنگام افتتاح اعتبار (انعقاد قرارداد) مورد توافق قرار می‌گیرند.

قرارداد اعتبار اسنادی به دنبال قرارداد اصلی خرید و فروش کالا یا خدمات (بین مشتری و فروشنده) فی‌مابین مشتری یا دستوردهنده و بانک گشاینده اعتبار منعقد می‌شود. قرارداد اعتبار اسنادی که به تبع وقوع قرارداد نخست یا اصلی اساساً برای پرداخت ثمن موضوع آن قرارداد محقق می‌گردد، گرچه در زمان انعقاد پیرو قرارداد مزبور منعقد می‌شود، اما مانند عقد ضمان یا رهن یا کفالت در حقوق مدنی نیست که با زوال دین اصلی یا بطلان آن و یا به واسطه بروز عوارض دیگر متزلزل و مخدوش گردد. قرارداد اعتبار اسنادی خود، بالاصاله، وجود مستقلی دارد و یکی از مشخصات و وجوه

ایجاب را قبول می‌نماید. بدیهی است هیچ یک از طرفین به تنهایی قادر به ایجاد تعهد نیست. مجموعه اعمال مورد نظر، عقدی است که نیازمند اراده طرفین (بانک و مشتری) است و به توافق درخصوص شرایط و چگونگی ایجاد و اجرای تعهد بستگی دارد. با ترسیم اقدامات و اعمالی که در نهایت منجر به صدور اعتبارنامه می‌شود، ماهیت اعمال حقوقی مزبور را می‌توان روشن کرد. همانگونه که اشاره شد، با قبول ایجاب به عمل آمده از ناحیه خریدار، توسط بانک گشاینده اعتبار، قراردادی بین بانک و خریدار منعقد می‌شود. اما پذیرفتن دستور مشتری و افتتاح اعتبار و زمانی که اعتبارنامه صادر و به نفع ذی‌نفع ابلاغ می‌گردد، خود واجد خاصیت و ماهیت مستقل از یکدیگر است؛ بدین معنا که بانک پس از پذیرفتن دستور مشتری دائر بر افتتاح اعتبار، در برابر او (خریدار) متعهد می‌شود و زمانی که اعتبار گشایش می‌یابد در جهت اجرای این تعهد اقدام می‌کند و، در نهایت، به صدور اعتبارنامه به نفع ذی‌نفع (فروشنده) تعهد مستقل دیگری را می‌پذیرد که ماهیت آن و متعده چنان تعهدی از تعهدات قبلی او در برابر مشتری متفاوت و مجزا است و با ارائه اسناد و مدارک لازم و مندرج در اعتبار مکلف به اجرای تعهد اخیر خود در برابر ذی‌نفع می‌گردد (نک: شهریار بهرامی، 4799).

در توافقات مربوط به گشایش اعتبار علاوه بر شرایط اساسی صحت معامله، قانونگذار شرایط خاصی نیز مقرر نموده است که رعایت آنها نیز واجد اهمیت اساسی است. مثلاً تنظیم قرارداد بر فرم خاص بانکی، ضمیمه نمودن مدارک از جمله فرم تعهدنامه ترخیص کالا و ثبت سفارش و سپردن درصدی از مبلغ اعتبار از شرایط لازم برای انعقاد و افتتاح اعتبار اسنادی محسوب می‌شوند و عدم رعایت آنها موجب عدم انعقاد قرارداد بین طرفین خواهد شد. اما، با

تحويل می‌شود. اما این موضوع موجب این شبهه می‌شود که محتوای اصلی قرارداد اعتبار اسنادی انجام یک سری عملیات از سوی بانک مبتنی بر پرداخت وجه اعتبار است که موضوع آن مستقل از موضوع قرارداد اصلی و پایه استوار است و، به عبارت دیگر، با التفات به تفکیک و استقلال که بین دو قرارداد اصلی و اعتبار موجود است، این تنوع و تفاوت موضوع روشن می‌گردد. موضوع قرارداد اصلی خرید و فروش کالا و خدمات و طرفین آن فروشنده و خریدار هستند اما موضوع قرارداد اعتبار، تعهد به پرداخت وجه مشخص به ذی‌نفع و طرفین این قرارداد هم مشتری و بانک می‌باشند.

اعتبار قابل برگشت، بنا به تعریف ماده 7 عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) عبارت است از اعتباری که در هر زمان بدون اخطار یا اطلاع قبلی به فروشنده، قابل اصلاح یا ابطال است. سؤالی که در ماهیت حقوقی چنین قراردادی مطرح می‌شود این است که آیا ماهیت حقوقی چنین قراردادی قابل فسخ و رجوع است و آیا با عقد جایز مطابقت دارد؟

عقد جایز، بنا بر تعریف ماده 499 قانون مدنی ایران عبارت است از آنکه هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند.

مهمترین خصوصیت عقد جایز که آن را از عقد لازم مجزا می‌سازد همین قابلیت بهم‌زدن عقد است. هرچند که اعتبار اسنادی قابل برگشت، مانند عقد جایز، قابل فسخ و رجوع است، کلیه آثار عقد جایز را دارا نیست؛ از جمله، به موجب حکم ماده 791 قانون مدنی ایران کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می‌شود و همچنین به سفته در مواردی که رشد معتبر است. یکی دیگر از مهمترین خصوصیات عقد جایز این است که با موت طرفین منفسخ می‌شود مثلاً عقد وکالت که عقدی جایز است

افتراق آن با انواع دیگر قراردادهای تبعی در این است که گرچه اعتبار اسنادی به تبع وجود قرارداد دیگری منعقد گردیده است، ولی اصل بر استقلال این قرارداد از قرارداد منشاء صدور آن (قرارداد بیع) به مثابه تعهد براتی است.

اساساً در اعتبارات اسنادی بحث از طریقه و مکانیسم پرداخت است و تملیک یا تملک مبیع و ثمن، به نحوی که در بیع داخلی بحث می‌شود، مورد گفتگو نیست؛ اما از آنجایی که در این شیوه پرداخت، بانک گشاینده اعتبار مستقیماً یا از طریق بانک واسطه دیگر عهده‌دار اجرای تعهد اعتباری می‌شود و در مقابل مشتری تعهد به تهیه وسایل پرداخت کالا یا خدمات خریداری شده توسط او و به نفع ذی‌نفع می‌نماید و با صدور اعتبارنامه متعهد به وفای به عهد خویش در مقابل ذی‌نفع و پرداخت کالای فروخته شده توسط او می‌کند، تعهد مزبور را قطعاً باید واجد اوصاف و طبیعی عقود عهدی دانست.

در قرارداد اعتبار اسنادی، که خود وسیله‌ای برای اجرای قرارداد اصلی بیع محسوب می‌شود، اعتبار، عرض کالا یا خدمتی است که مورد توافق یا مبادله شده است. به عبارت دیگر، تعهد بانک دائر بر پرداخت اعتبار یا تأمین آن، عوض کالا یا خدمتی است که مشتری از فروشنده دریافت نموده است و بانک هم، در نهایت، با رجوع به دستوردهنده (مشتری) اعتباری را که پرداخته است مسترد می‌دارد. اما پذیرش این تعهد از ناحیه بانک و تقبل افتتاح پرداخت اعتبار به طور مجانی انجام نمی‌پذیرد؛ بلکه این تعهد در مقابل دریافت عوضی صورت می‌گیرد که عبارت است از کارمزد و بهره‌ای که مابه‌ازاء خدمات بانکی انجام شده است. هنگامی که بانک وجه اعتبار را به فروشنده می‌پردازد، ممکن است چنین تصور شود که مبلغ فوق یکی از دو عوض قرارداد است که در ازای تحويل اسناد حمل به فروشنده

اعتبارنامه شده است، از ذی نفع طلبکار شود، قادر نخواهد بود که به تهاثر متوسل شود. با استناد به همین ماهیت اعتبار است که اصولاً به هیچ طریقی، بجز مورد استثنایی تقلب، نمی توان مانع از پرداخت اعتبار شد. دستوردهنده، ذی نفع، بانک و سایر اشخاص که به نحوی در یک معامله اعتباری وارد می شوند، از حقوق و مسئولیتهای قانونی مفروضی برخوردارند که تنها موارد بسیار نادر و استثنایی مبانی این حقوق را مخدوش می سازند که در راستای حذف این موارد ایذایی به نظر می رسد اهمیت روزافزون اعتبارات و سهولت و در عین حال قاطعیت فزاینده حقوق اقتصادی، برخورد جازم و جدی در جهت زدودن کلیه زمینه های موجود و احتمالی مخدوش کننده حیثیت و اقتدار اعتبارات اسنادی و اسناد تجاری را می طلبند.

حقوق ذی نفع در قالبی جداگانه از روابط، اسناد و اقدامات مربوط به افتتاح یک اعتبار و صرف نظر از روابط بین او و خریدار و همچنین روابط بین خریدار و بانک و بانکها باهم و صرفاً از اعتبارنامه ناشی می شود که با حصول شرایطی خاص و مشروط به رعایت شرایط اعتبار و ارائه اسناد و مدارک مقرر و لازم قادر به انتفاع از حقوق موضوع اعتبار خواهد بود (نک: شهریار بهرامی، 4799).

طلبی که ذی نفع در نتیجه صدور و ابلاغ اعتبارنامه از بانک پیدا می کند، بخشی از دارایی مثبت او خواهد بود که، اساساً همان گونه که به طلبکار امکان استیفاء می دهد طلبکاران وی نیز ممکن است با توسل به اقدامات قضایی از محل این طلب بهره مند شوند؛ کما اینکه احتمال توقیف چنین طلبی از ناحیه طلبکاران وجود خواهد داشت. نیز همین مطلب از زاویه ای دیگر به عنوان بدهی و جنبه منفی دارایی بانک و، به تبع آن، دارایی منفی دستوردهنده (مشتری) محسوب خواهد شد که در نتیجه

با موت و کیل یا موکل منفسخ می شود؛ ولی در قرارداد اعتبار اسنادی قابل برگشت موت یکی از طرفین موجب انفساخ تعهد نمی شود و هیچ یک از آن دو نمی توانند به بهانه فوت طرف دیگر از انجام تعهد خودداری نمایند. لذا، مشکل بتوان، با توجه به ماهیت عقد جایز در حقوق ایران، قرارداد اعتبار اسنادی قابل برگشت را نوعی عقد جایز دانست، زیرا که یکی از مهمترین خصیصه های عقد جایز را فاقد می باشد. اما می توان چنین استدلال کرد که هرچند عقد لازم را نمی توان بدون دلیل و جهت قانونی فسخ کرد، قانونگذار مواردی را برشمرده که، به موجب آن، برای طرفین یا یکی از آنها حق فسخ عقد را مقرر نموده که این اختیار در حقوق مابه خیار معروف است و در مبحث خیارات قانون مدنی ایران مورد بحث قرار گرفته است و به موجب حق مذکور طرفین عقد لازم می توانند در مواردی عقد را فسخ کنند. در قرارداد اعتبار اسنادی نیز که عقد لازم می باشد می توان به هر یک از طرفین یا هر دو طرف در مواردی که حق رجوع یا ابطال یا فسخ اعتبار را اعطاء نمود (اعتبار قابل برگشت). لذا اعتبار قابل برگشت را می توان نوعی عقد لازم دانست که به یکی از طرفین حق فسخ یا رجوع اعطاء گردیده است.

اساساً اعتبارات اسنادی، به عنوان یک سند بانکی، ویژگیهای منحصر به فرد دارند که حقوق ذی نفع در قالب آینه آنها تبلور می یابد؛ یعنی همان گونه که در اسناد تجاری مانند برات دیده می شود، با صدور و ابلاغ اعتبار، ذی نفع از حقوق جدیدی بهره مند می شود که صرف نظر از مبنای پیدایش آن است و مستقیماً از اعتبار نشأت می گیرد. مثلاً، امکان تهاثر بین طلب ذی نفع که از اعتبارنامه ناشی می شود با بدهی که او به دستوردهنده دارد وجود نخواهد داشت و یا اگر دستوردهنده، به واسطه امر دیگری و یا حتی رابطه موجود و اولیه ای که منتهی به صدور

گونه‌ای مبین و مؤید رابطه حقوقی قبلی باشند؛ اما آنچه در این مقوله مؤثر در مقام است، ماهیت خود سند است. اعتبارنامه‌ها مانند اموالی هستند که صرفنظر از عوامل ترکیبی و تشکیل‌دهنده آنها موضوعیت دارند و بر همین اساس است که امکان معامله آنها مانند توثیق‌پذیری آنها مطرح می‌شود. این اسناد صرفاً وسیله تحصیل مال نیست؛ بلکه به منزله سند یا مدرکی از میزان مشخص اموال و دارایی (که متن و ظاهر سند از آن حکایت دارد) می‌باشند. گرچه زمانی جهت پرداخت یک بدهی و دین که از یک عمل یا واقعه حقوقی ناشی شده است، صادر گردیده‌اند، لیکن به محض صدور، از منشأ اولیه فاصله گرفته و خود به عنوان یک مال و بخشی از دارایی مستقل دارنده و مالک آن مطالعه و بررسی قرار می‌شوند و، بر این اساس، تخدیش رابطه اولیه اقتدار این ماهیت ذاتی اسناد و اعتبارنامه‌ها را متزلزل نخواهد کرد.

پس از صدور سند یا اعتبارنامه ممکن است، بنا به طبیعت قابلیت نقل و انتقال و مبادله‌ای سند و اعتبارنامه ایادی متعددی در این مبادله دخالت می‌نمایند. به موجب وصف تجریدی همچنان که روابط موجد و سندی در طول هم قرار می‌گیرند، روابط متعدد سندی و ایادی مزبور در عرض همدیگر و مستقل از هم قرار داشته و محور مطالعه قرار می‌گیرند؛ یعنی ایادی متعاقبه، به طور مجزا و منفک از هم و در عین حال مجموع آنها در کنار همدیگر به دارنده سند و ذی‌نفع اعتبارنامه امکان انتفاع از موضوع سند یا اعتبارنامه را اعطاء می‌نماید و تنها در صورتی که سوءنیت یا تقلبی در استفاده از موضوع اعتبار اثبات گردد می‌توان دارنده با سوءنیت را از حقوق ادعایی خویش محروم نمود و، بنابراین، در برابر دارنده‌ای که با حسن نیت سند یا اعتبارنامه یا امضاء و مدارک مربوط به کالا و خدمات را در اختیار دارد، نمی‌توان ایراد کرد. ویژگیهای استقلال امضاها و قائمیت به خود به گونه‌ای منبعث از همین وصف و ویژگی تفکیک رابطه موجد از رابطه سندی هستند.

ورشکستگی یا اعسار او به اتکای تئوری انتقال مالکیت محل دارایی قابلیت توقیف توسط طلبکاران ایشان را نخواهد داشت.

از مهمترین انگیزه‌های پیدایش و تکامل اسناد تجاری و نیز اعتبارات اسنادی تسریع و تسهیل در روند تجارت و مطالعات، به‌ویژه در سطح بین‌المللی است. تحقق این هدف تنها در صورتی ممکن خواهد بود که اسناد از آن درجه از اقتدار و ارزش برخوردار باشند که صرف توجه به شکل و ظاهر آنها و صرف‌نظر از ماهیت مبانی و روابط پیرامون آن دارنده را از مزایای سند بهره‌مند ساخته و او را فارغ از مسائل و مصائب ناشی از اثبات طلب و اصالت موضوع سند سازد. بر این اساس باید قائل بر آن بود که همه چیز باید بر اساس ظاهر سند ارزیابی شود.

بنابراین، با صدور سند یا اعتبارنامه مالکیت محل آن از شخصی به شخص دیگر انتقال می‌یابد و همچنان که ذی‌نفع اعتبار به استناد اعتبارنامه از نوعی حق عینی (به جای حق دینی) برخوردار می‌شود، خریدار (دستوردهنده) هم، از دیگر سو، نسبت به موضوع اسناد و مدارک و محتوای آنها از این حق بهره‌مند می‌شود (همانجا). نتیجه‌ای که از این تئوری گرفته می‌شود، شناسایی اعتبارنامه به عنوان معرف یک حق عینی در کاملترین نوع خود، یعنی مالکیت، است که خود واجد آثار و پیامدهای دیگر مانند عدم قابلیت توقیف وجه اعتبار یا موضوع سند و بارنامه به واسطه انتقال مالکیت محل آنها بوده که در نوع خود بی‌نظیر و جالب توجه است.

صرف‌نظر از مسائل و مبانی حقوقی (اعمال یا وقایع حقوقی) که منجر به صدور یک سند تجاری و یا صدور اعتبارنامه از ناحیه بانک می‌شود، اسناد و اعتبارنامه‌ها ماهیتی کاملاً مستقل از مبنای وجودی خود دارند. به عبارت دیگر، اعتبارنامه‌ها، در واقع، بیانگر وجود حقی هستند که فی‌نفسه دارای موجودیت بوده و قائم به ذات است. ممکن است اسناد تجاری یا اعتبارنامه به

عادات بازرگانی و اینکه امکان پرداخت اعتبارنامه تنها با ارائه اسناد و مدارک مشخص و معین که به موجب شرایط اعتبار پیش‌بینی شده و در صورتی که اصالت ظاهری این اسناد و مدارک هم توسط بانک ارزیابی و تأیید شده باشد، توجیه شده است. فلذا این روند با ویژگیهای قاطعیت و استقلال و موضوعیت اعتبارنامه در تعارض باشد. چه به موجب اعتبارنامه ذی‌نفع از حقوق بلامنازعی برخوردار می‌شود که باید به وی امکان بهره‌برداری از وجه اعتبار را با انتقال آن، ولو بدون درج چنین شرایطی، اعطاء نماید.

اما در مورد قابلیت مبادله و انتقال اسناد و مدارک مثبت مالکیت کالا یا حقوق و خدمات موضوع معامله باید خاطر نشان کرد، همانگونه که با ظهرونیسی و نقل و انتقالات مکرر اسناد تجاری، دارنده از حقوق مضاعف و بیشتری نسبت به ایادی ماقبل خود برخوردار می‌گردد، امکان نقل و انتقال اسناد و مدارک مزبور به منزله تحویل و تسلیم کالا و موضوع اعتبار بوده و از بسیاری هزینه‌ها و دوباره‌کاریها جلوگیری به عمل خواهد آمد؛ مثلاً خریدار می‌تواند با ظهرونیسی بارنامه در وجه شخصی دیگر و بدون اینکه خود را درگیر مسایل خاص گمرکی و ارزی نماید، کالای مزبور را بفروشد.

مبادله‌پذیری اسناد و مدارک مالکیت کالا همانند اسناد تجاری، ممکن است توأم با انتقال موضوع سند، یعنی خود کالا باشد که در این صورت کالا یا خدمات موضوع سند به همراه اسناد آن به دارنده جدید منتقل می‌شود و ممکن است بدون انتقال موضوع در قالب وکالت یا نمایندگی یا توثیق آنها باشد که در این صورت فقط خود سند و مدرک است که منتقل می‌شود و نه موضوع آن.

مسئولیتی تضامنی از خصوصیات و ویژگیهای ذاتی یک اعتبارنامه است که توافق و قید و شرط نمی‌تواند آن را حذف یا تضعیف نماید و این خاصیتی است که از حقوق کامبیر ناشی می‌شود. البته در اعتبارات اسنادی در مرحله ایجاد و تحقق مسئولیت تضامنی اراده افراد است که

تسریع و تسهیل تجارت و مبادلات، به‌ویژه در سطح بین‌المللی، اقتضا دارد که از درج شروط و قیودی که به نحوی در تعارض با اهداف آن است خودداری شود. اصولاً درج قید و شرط یا عباراتی که به نحوی در امکان مطالبه سند یا وجه اعتبارنامه اشکال تولید نماید، به واسطه مخالفت داشتن با طبیعت و ویژگیهای اساسی اعتبارنامه، به‌ویژه قابلیت مبادله‌ای و موضوعیت‌داشتن و اصالت ظاهر و ... ممنوع است. آنچه که طبق عرف و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی و در عرف رایج بانکی از حیث درج پاره‌ای شروط و الزامی‌بودن رعایت آنها در اعتبارنامه‌ها جایز است به این خاصیت بارز اعتبارنامه سرایت و لطمه‌ای وارد نمی‌نماید؛ زیرا نفس رعایت همین شرایط نیز در راستای صراحت و منجزبودن اعتبارنامه‌ها لازم می‌آید؛ زیرا در غیر این صورت بانکها و ذی‌نفع یا حتی دستوردهنده را از حیث تشخیص حدود قانونی حقوق و مسئولیتهای خود با مشکل مواجه خواهد ساخت. بنا بر آنچه گفته شد بر خلاف موازین حقوقی سنتی مدنی و فقهی امکان صدور یک اعتبارنامه، به طور معلق، بطوری که با حصول معلق علیه حقوق ذی‌نفع نسبت به موضوع اعتبار و یا حقوق دستوردهنده نسبت به موضوع اسناد و مدارک مستقر شود، قانوناً فراهم نیست.

در ماده 19 عرف و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) موازین مربوط به نحوه انتقال اعتبار پیش‌بینی شده است. اساسیترین ممیزه موجود آن است که بر خلاف اسناد تجاری قابلیت انتقال اعتبار جزو ذات و ماهیت اعتبارنامه محسوب نمی‌شود و تنها در صورتی که بانک گشاینده قابلیت انتقال اعتبار را تصریح نماید، می‌توان آن را به ذی‌نفع ثانوی منتقل نمود (بند ب). از سوی دیگر، انتقال‌پذیری اعتبارات اسنادی به اتکای عرف و

مطاع دانسته می‌شود ناشی از این دیدگاه است که یکسان‌سازی قواعد و مقررات حاکم از جهات مختلف، به‌ویژه تسهیل، تسریع و تضمین به نفع جامعه تجاری بین‌المللی است و از همین رو است که کلیه کشورها و جوامع سعی در الحاق به این مقررات داشته و بدیهی است در پرتو این همراهی بین‌المللی سهولت و آرامش خاطر بر زندگی تجارت بین‌المللی حاکم می‌شود و اختلافات و هزینه‌های سنگین و غیرضروری، حتی‌الامکان، کم و یا حذف می‌شود.

در تجارت بین‌المللی اعتبار اسنادی، به عنوان یک سند و ابزار بسیار مفید و مهم، اهمیت بسیار زیاد دارد. ایفای این نقش مستلزم آن است که قواعد حاکم بر این نوع مکانیسم پرداخت نیز، به عنوان یک ضرورت، در راستای چنین هدف و منظوری باشد. بنابراین تفکیک رابطه اعتبار اسنادی از قرارداد پایه و غیر قابل استناد دانستن ایرادات (اصل عدم توجه ایرادات) به هنگام درخواست پرداخت از سوی ذی‌نفع برای استوارساختن اعتبار این مکانیسم پرداخت و حفظ ارزش آن، به عنوان یک ابزار کارآمد بانکی، در معاملات بین‌المللی ضروری است. اگر بانک صالح باشد که خود را در روابط قراردادی بین طرفین دخالت دهد و یا دادگاهها بتوانند قبل از پرداخت اعتبار با ورود در ماهیت روابط قراردادی مانع پرداخت آن شوند، این سند بانکی ارزش و منزلت خود را از دست داده و از فلسفه وجودی خود دور خواهد افتاد.

طرفین معامله در قرارداد اصلی، قیمت و نحوه پرداخت بهای کالا و سایر شرایط و زمان آن را مشخص می‌سازند و پرداخت بهای کالا از طریق گشایش اعتبار، گرچه در راستای توافق طرفین به موجب قرارداد اصلی به عمل می‌آید، اما اصولاً قرارداد اعتبار اسنادی، قراردادی کاملاً مستقل از

کارگزار می‌شود و تعیین می‌کند که حقوق ذی‌نفع مورد تضمین مضاعف قرار گیرد یا خیر. اما به محض ایجاد و در مرحله اجرا عدول از آن امکان‌پذیر نیست و امضاکنندگان و تأییدکنندگان متعدد اعتبارنامه به منزله متعهد اولیه (بانک گشایش‌دهنده) دارای مسئولیت تضامنی در پرداخت وجه اعتبار می‌باشند. بدیهی است که اگر بانکهای واسطه تنها وظیفه ابلاغ یا واریسی اسناد و مدارک را به عهده داشته باشند و نسبت به پرداخت اعتبارنامه مسئولیتی را متقبل نشده باشند، مسئولیتی هم از این حیث نخواهند داشت.

در مورد اعتبارنامه‌ها نظر به اینکه توسط بانکها صادر و بوسیله بانک یا بانکهای دیگری ممکن است مورد تأیید قرار گیرند و دخالت افراد در آنها تقریباً ممکن نیست، امکان بروز استثناء و ایراد در پرداخت آنها نسبت به اسناد تجاری در حداقل ممکن است؛ زیرا با توجه به اینکه نامه گشایش اعتبار و قرارداد آن نزد بانک گشاینده باقی می‌ماند و کلیه اقدامات مربوط به صدور، تأیید و ابلاغ اعتبار هم توسط بانک به عمل می‌آید و مصون از دسترس افراد است، امکان دخل و تصرف و جعل امضاء یا تزویر در آنها کمتر است. اما در مورد اسناد و مدارک مربوط به مالکیت کالا که توسط فروشنده ارائه می‌شود، چون بانک تنها در مرحله پرداخت اقدام به تطبیق ظاهری آنها با شرایط اعتبار می‌نماید و در تهیه و ارائه آنها نقشی ندارند مانند اسناد تجاری امکان تعرض و ورود ایراد و استثناء باقی و موجود است.

موازین مربوط به اعتبارات اسنادی و عملیات آن با نگاهی گذرا به تاریخچه آنها در روندی کاملاً رو به تکامل و توسعه قرار داشته است. اساساً لازمه تحول تجارت بین‌المللی و شیوه‌های آن هم تبعیت از قوانین و موازینی است که از ثبات و استحکام و انسجام برخوردار باشند. آنچه امروزه در زمینه عملیات اعتبارات اسنادی برای کلیه طرفهای دیگر

متعهد از انجام تعهدات حمایت می‌کند (نک: فرهنگ حقوقی Blak، ذیل واژه Performance Bond). و اعتبار اسنادی نوعی روش جاری پرداخت در معاملات بین‌المللی است. بدین ترتیب، ضمانتنامه بانکی، اجرای مفاد قرارداد موجود را تضمین می‌کند و اعتبار اسنادی، قرارداد ثانوی است که اجرای مفاد قرارداد اصلی فروش را از حیث نحوه پرداخت بهای کالا یا خدمات تسهیل و تضمین کند. گرچه در هر دو مورد قرارداد ثانوی در پی موجودیت و تحقق قرارداد پایه به وجود می‌آید، اما با ماهیتی مستقل از قرارداد (ضمانتنامه بانکی و اعتبار اسنادی) از اصول و احکام مشترک تبعیت می‌نمایند.

این تفکیک و استقلال در مورد اعتبارات اسنادی در ماده 7 عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) صراحتاً ذکر شده است:

الف) اعتبارات بنا به ماهیت خود معاملاتی جدا از قراردادهای فروش و یا سایر قراردادهایی است که مبنای گشایش اعتبار قرار می‌گیرند. در توجیه این استقلال علاوه بر توجه به نقش و اهمیت اعتبارات اسنادی و نیز ماهیت متفاوت قرارداد اعتبار از قرارداد پایه از حیث افراد و مفاد تعهدات می‌توان چنین گفت که همان‌گونه که در حقوق فرانسه در توجیه استقلال ضمانتنامه بانکی مقرر است در مورد اعتبارات اسنادی هم فرض بر این است که بانک صادرکننده یا گشاینده اعتبار از استناد به هر گونه ایرادی که در مقابل بدهکار اصلی می‌توان بدان تمسک جست، پیشاپیش، صرف‌نظر کرده و خود را مسئول پرداخت بلاقید و شرط در مقابل ذی‌نفع قرار داده است.

چهره دیگر تفکیک و استقلال ماهیت بین دو قرارداد پایه و اعتبار اسنادی به شرح ماده 1 عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) بدین‌گونه نمایان است در عملیات اعتبار همه

قرارداد اصلی است؛ به این دلیل که صرف‌نظر از نقش و فلسفه تأسیس و پیدایش اعتبارات اسنادی، به عنوان وسیله تسهیل و تضمین معاملات در جریان افتتاح و پرداخت اعتبارات در واقع قراردادهای توافق‌های جداگانه‌ای منعقد می‌گردد که از اطراف آنها و تعهدات موجود در آنها با قراردادهای اصلی متفاوت‌اند. از این رو یکی از اصول حاکم بر اعتبارات اسنادی استقلال آنهاست. نظر به ملاک مشترک و شباهت والای اعتبار اسنادی با ضمانتنامه‌های بانکی می‌توان به اصول و ضوابطی که در این خصوص بر ضمانتنامه‌های بانکی حاکمیت دارند، اشاره کرد و آنها را به اعتبارات اسنادی هم سرایت داد: در توجیه استقلال ضمانتنامه‌های بانکی از قرارداد اصلی به رأی مورخ 24 دسامبر 4792 دیوان تمیز فرانسه اشاره نمود؛ بدین شرح که طبق مواد 2442 و 2447 قانون مدنی فرانسه تعهد ضامن نسبت به تعهد مدیون اصلی تبعی است و حتی شرط صریح قراردادی هم نمی‌تواند این صفت را از عقد ضمان سلب کند؛ در حالی که طبق رای فوق‌الاشاره ضمانتنامه بانکی دارای استقلال است و تعهد بانک ارتباطی به قرارداد پایه که ضمانتنامه در زمینه تضمین تعهدات ناشی از آن صادر شده است ندارد. در این رای دیوان تمیز، نظر دادگاه پژوهشی را مورد تأیید قرار داده است. به نظر دادگاه پژوهشی بانک نمی‌تواند به ایراداتی که بدهکار اصلی می‌توانست در برابر طلبکار بدانها متوسل شود، استناد کند (نک: محمود کاشانی، 4799-4791:497).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، صرف‌نظر از عملکرد متفاوت این دو مکانیسم بانکی اعتبارات اسنادی از حیث ارتباط با قرارداد مبنا و پایه در وضعیت کاملاً مشابه و یکسان قرار دارند. ضمانتنامه‌های بانکی نوعی تضمین قراردادی است که ذینفع را در برابر زیان ناشی از ناتوانی یا خودداری

طرفهای ذیربط، اسناد را معامله می‌کنند و نه کالا یا سایر کارکردهایی که اسناد مربوط به آنهاست.

بنا به حکم این ماده بانکها فارغ از توجه به اختلافاتی هستند که متعاملین ممکن است در ارتباط با قرارداد اصلی داشته باشند و بروز اختلاف بین متعاملین، به واسطه علل و جهاتی که از قرارداد اصلی ناشی می‌شود، نمی‌تواند موجبی برای عدم انجام تعهدات از سوی بانک باشد. در حقوق نوین حاکم بر اسناد تجاری یا حقوق کامبیر (نک: محمود کاشانی، 4791: 497) یکی از زیباترین نمادهای جانشینی اسناد به جای پول و وجه نقد در قالب این اصل تبلور گردیده است؛ بدین معنی که پس از صدور سند، سند یادشده تحت عنوان رابطه براتی یا تعهد براتی از رابطه اولیه یا رابطه موجد فاصله گرفته و تفکیک می‌شود؛ از آثار و خواص این تفکیک عدم توجه به ایراداتی است که مربوط به رابطه موجد بوده است. بنابراین، ایراداتی مانند بطلان پایه یا تعهدی که موجب صدور سند گردیده است، فسخ قرارداد موجد، اجرای کامل آن، ادعای تهاتر یا انتقال طلب و... از سوی متعهد در برابر دارنده با حسن نیت سند مسموع نبوده و نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد (نک: شهریار بهرامی، 4799).

به نظر می‌رسد این معنی در مورد اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه‌های بانکی نیز دقیقاً مصداق یابد، به طوری که به اتکاء این اصل می‌توان به مسئولیت نوعی بانک در مقابل ذی‌نفع قائل شد و چنین گفت که استناد به ایرادات مربوط به قرارداد اصلی فروش از سوی بانک غیرممکن بوده و مسموع نیست.

پس در راستای اهتمام بیشتر و عنایت به جایگاه ویژه اعتبارات اسنادی در معاملات بین‌المللی باید هدف را بر جداسازی هرچه بیشتر ارتباط حقوقی قرارداد اعتبار از قرارداد پایه داد.

یکی از نتایج اساسی که در تفکیک دو رابطه

موصوف متصور است آنکه نمی‌توان گفت با قبول ایجاب خریدار توسط بانک تبدیل تعهد به عمل می‌آید و توافق اخیر جایگزین توافق سابق (قرارداد بیع اصلی) می‌گردد. بنابراین، تعهدات خریدار کماکان طبق قرارداد اصلی به حال خود باقی می‌ماند و تعهد بانک موجب حذف تعهدات خریدار نمی‌شود. نیز نمی‌توان قائل به این شد که با وقوع قرارداد ثانوی انتقال طلب صورت می‌گیرد و یا نمایندگی مدنی اعطاء می‌شود. دلیل این امر را باید در ماهیت و خاصیت ذاتی اعتبارنامه و اسناد تجاری جستجو کرد. به موجب دکترین نوین کلیه تئوریهای سنتی در مورد اسناد تجاری (تئوریهای 49 گانه) مردود و در قالب حقوق نوین که به حقوق کامبیر معروف است، اسناد از ویژگیهایی مانند موضوعیت داشتن، استقلال و قائم به خود بودن، مجرد بودن و... برخوردارند که مبین ماهیتی کاملاً منحصربه‌فرد و مختص به خود هستند و سعی در گنجاندن آنها در قالبهای حقوق سنتی و مدنی کاری عبث و ناصحیح است. از دیگر سو با توجه به ظاهر اسناد و مدارک و ظاهر روابط (تئوری ظاهر) و عنایت به موضوع و مدارک می‌توان به اهمیت والای فرمالیسم (توجه به شکل) پی برد. در اسناد تجاری فرمالیسم چنان اهمیتی دارد که عدم رعایت ظاهر ممکن است سند را از حالت تجاری خارج گرداند (شهریار بهرامی، 4799).

رویه بین‌المللی حکایت از آن دارد که بانکها در صورت رعایت شرایط اعتبار توسط ذی‌نفع، در هر حال، مسئول پرداخت اعتبار هستند؛ مگر در صورت وقوع تقلب در معامله یا اسناد حمل یا جعل آنها و... و احراز موضوع در مرجع صلاحیتدار قضایی.

در بحث از تقلب و ممنوعیت پرداخت ناشی از آن باید گفت در هر معامله قاعده و اصل بر صحت و برائت طرفین از تقلب قرار دارد و چون اساساً وقوع وجود تقلب امری خلاف اصل است، باید توسط

حسب بند ب از ماده 47 عرف و رویه متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP-500) باید در فرصت متعارفی مراتب به ارسال‌کننده اعلام گردد.

در بررسی وظایف بانک در تطبیق اسناد و مدارک با شرایط اعتبار باید متذکر شویم که در همه مواردی که اسناد و مدارک کنترل می‌شوند و خصوصاً در موردی که مهلتی جهت اصلاح نواقص اعتبار به فروشنده اعطاء می‌گردد، باید به زمان انقضای اعتبار توجه گردد؛ زیرا تاریخ انقضاء در اعتبار اسنادی مهم بوده و بانک نمی‌تواند با اعطای چنین فرصتی به فروشنده مدت اعتبار را افزایش دهد. بدیهی است در صورتی که فروشنده نخواهد و یا قادر نباشد که در مهلت مورد نظر اصلاحات را انجام دهد، به واسطه عدول از شرایط اعتبار، حقی هم بر اعتبار نخواهد داشت (مواد 42، 43، 44، بند ب ماده 47 و ... مقررات UCP-500).

مطلب درخور توجه دیگر آنکه اصولاً تنها در موارد قصور و غفلتهای سبک، امکان اعطای فرصت جهت اصلاح ایراد و نواقص اعتبار وجود دارد و در صورت وقوع و کشف تقلب، اعطای چنین ارفاق و مهلتی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

تنها مطلب قابل توجه در تبیین آنچه گفته شد این است که ضابطه حاکم در جهت تشخیص غفلت ساده یا سبک از تقصیر سنگین چیست؟ در پاسخ به این سؤال قاعده و حقوق مشخصی وجود ندارد. اما با اتکاء به اصول کلی حقوق مانند اصل صحت و عدم تقلب باید قائل به این بود که اساساً در صورت طرح چنین ادعایی وظیفه مدعی (خریدار) است که اثبات نماید عدول از شرایط و مقررات اعتبار اندازه‌ای اهمیت دارد که قابل اغماض نیست؛ یعنی به کمک موازین موجود در حقوق ملی و با توجه به جایگاه سرعت و سهولت در معاملات بین‌المللی و انعطاف‌پذیری علمی در روابط تجاری یادشده اصل

مدعی تقلب اثبات گردد. بنابراین، وجود تقلب را نمی‌توان مفروض دانست؛ بلکه موضوع مشخصی است که باید به اثبات برسد و امری نوعی و معمولی نیست. هم بر این اساس است که بار اثبات هر مدعا به عهده مدعی خواهد بود.

نظر به اینکه مسئولیت نهایی پرداخت وجه اعتبار به عهده خریدار (دستوردهنده) می‌باشد، لازم است که همه بانکهای مرتبط با معامله اعتبار اسنادی از دستورات وی تبعیت نمایند؛ والا به واسطه خروج از حدود اختیارات نمایندگی، اقدامات وی توسط اصیل قابل رد بوده و مخاطرات ناشی از این بی‌توجهی را باید تحمل نمایند.

دکترین اجرای دقیق شرایط اعتبار، یک اصل حقوقی است که بانک را مجاز می‌سازد تا مدارکی را که منطبق با شرایط اعتبار نیستند رد نماید؛ زیرا کلیه بانکها به نمایندگی از خریدار عمل می‌کنند و نماینده باید در حدود اختیارات خود اقدام نماید.

بنابراین، بانک در صورتی حق رجوع به خریدار برای دریافت وجه اعتبار را خواهد داشت که در اجرای وظایف خود دقیقاً منطبق با شرایط اعتبار عمل نماید و در صورت عدم رعایت خواسته‌های خریدار مسئولیت این بخش از اعمال آنان متوجه خریدار نبوده و عواقب آن را باید شخصاً بر عهده گیرد.

از سویی، فروشنده باید در اجرای صحیح تعهدات خویش دقت نماید و تمام شرایط مندرج در اعتبار اسنادی را رعایت کند. در صورت ارائه اسنادی که با شرایط اعتبار در تغایر باشند استحقاق دریافت وجه کالا را نخواهد داشت. این اصل باید در همه مراحل یک معامله اعتباری مورد توجه باشد؛ یعنی در مرحله گشایش و هنگام ابلاغ و نیز هنگام پرداخت اعتبار ملحوظ شود.

در صورت بروز اختلاف میان اسناد با شرایط

نتیجه

را بر صحت گذاشته و موارد خلاف را محتاج به اثبات دانست.

برآیند مقایسه اعتبارات اسنادی با سایر شیوه‌های پرداخت و تضمین پرداخت در معاملات بین‌المللی آن است که اصولاً مکانیسم مزبور مطلوبترین و مؤثرترین وسیله در انعقاد تضمین اجرای قراردادهاست.

با توجه به کیفیت و نحوه رجوع افراد و اطراف یک اعتبار به همدیگر و حقوق و مسئولیتهای ایشان ملاحظه می‌شود که در قبال تکالیف و تعهدات واردین و عناصر یک اعتبار، اشخاص یادشده از تضمین حقوقی کافی برای وصول مطالبات و دریافت مابه‌ازاء تعهدات خویش برخوردار خواهند بود.

اعتبارات اسنادی حسب نیاز جامعه تجاری بین‌المللی منقسم به انواع مختلفی هستند که کارایی متفاوت و چندگانه‌ای را به ذی‌نفع ارائه می‌دهند و هر کدام از این اعتبارات هم خود در قالب تکنیکهای بانکی مختلف و طرق متفاوتی قابل پرداخت خواهند بود.

در بحث از حقوق حاکم و قواعد حقوقی اعتبارات اسنادی پس از مقایسه این مکانیسم با قالبهای سنتی حقوق فقهی و مدنی می‌توان چنین استنباط کرد که، نظر به مختصات و ویژگیها و اوصاف اعتبارات در چارچوب حقوق نوین کامبیر که ارزیابی و توصیف اسناد تجاری و اعتبارات اسنادی به‌واسطه نیاز روزافزون و تکامل علمی و تکنولوژیک معاملات و اسناد تنها از این طریق ممکن و منطقی خواهد بود، نوعی حقوق منحصربه‌فرد دارند که قیاس آنها با قواعد حقوق سنتی (فقهی، مدنی و تجارت) در واقع قیاس مع‌الفارق خواهد بود. یعنی، همان‌گونه که به طور مثال قواعد مربوط به عقد وکالت در حقوق مدنی بر پایه اصول و موازین شرعی و فقهی و قواعد مختص به خود در حقوق مدنی سنجیده و تحلیل می‌شود، قواعد مربوط به اعتبارات اسنادی نیز باید

در قالب حقوقی خاص خود، که همانا حقوق نوین اسناد و اعتبار است، سنجیده شود؛ از این‌رو، امکان ورود مسائل و مباحث مربوط به حقوق مدنی، از قبیل ایرادات مربوط به روابط اولیه و پرداختن به ماهیت روابط و مال بودن یا نبودن و قبض و اقباض آنها و حدود مسئولیتهای و جعل در اینجا نیست و جایگاه خاص خود را دارند.

منابع

افتاده، غلامحسین (4799)، «نقش اعتبارات اسنادی در تسهیل و تضمین معاملات تجاری بین‌المللی نامه اتاق بازرگانی»، نشریه بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره 9؛

بهرامی، شهریار، (4799)، پلی‌کی حقوق تجارت بین‌الملل دوره دکتری حقوق خصوصی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛

_____ تقریرات درس حقوق شماره 7، دوره کارشناسی حقوق و حقوق تجارت دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوص، دانشکده حقوق دانشگاه شیراز؛

تحلیلی بر مقررات اعتبارات اسنادی ucp-500 و کاربرد آن در معاملات اعتبارات اسنادی، انتشارات کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی، چاپ اول؛

دریس کول، ریچارد جی، «نقش اعتبارنامه‌های تضمین در تجارت بین‌المللی»، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی، شماره اول، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛

فتحی‌پور، علی، «ضمنان و معاملات بین‌الملل»، مجله حقوقی، شماره 47، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی؛

کاشانی، محمود (4791)، juris class cur civil، «ضمناننامه بانکی» مجله تحقیقاتی حقوقی، شماره 49-49، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛

_____ (4791-4799)، «ضمناننامه‌های بانکی» مجله تحقیقات حقوقی، شماره 49-49، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛

محبی، محسن (4791)، «جنبه‌های حقوقی اعتبارات اسنادی بانکی از نظر مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی و حقوق ایران»، کتابخانه دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل؛

مهربان، محمدرضا (4794)، مدیریت سفارشات خارجی، نشر البرز؛

Tplapy, D. *Introdetoin to the law of international trade.* ■